

بدل جاری رعشق گلهرداری کرده ام پیدا

(ص ۲۵۴ ح ۴ س)

بنا بر بعض نسخ غیر معتمده ، در اصطلاح رحالی لقب احمر بن

سدوسی

حری است سدس دیهی است از توابع مصر و امواج نسخ

معتمده سدوسی است و در ذیل مذکور است

### سدر سوس

قتاده بن دعامة - عربین بن عمرو بن ربیعہ بن عمرو بن حرب

سدوسی

بن سدوس بن شیبان اکمه سدوسی نصری ، مکسی باوالحطاب ،

از اکابر علمای تابعین و جامع ترین ایشان و مرجع طالب و محصلین بود ، همه روزه

سواره ها از طرف سیامیه محض استفسار احبار و انساب و اسعار ، بحائیه وی مراجعه

میکردند شهرت او در علم و صحت روایت بمقامی رسیده بود که گویند از علوم عرب

حیری بنا بر رسیده که صحیح تر باشد از آنچه از قتاده بنا رسیده است معر گویند معنی

آیه شریفه وَمَا كُنَّا لَهُ مُقَرَّبِينَ را از ابو عمرو بن عیاض بر سیدم ناسخی بناد کتم قتاده

میگویند که مقررین معنی مطبقین است گفت قول قتاده کافی است و اگر نبود ایسکه بناده

در مسئله قدر تکلم می نماید و از طرف حضرت رسالت ص مأمور بامساک و توقف در این

مسئله هستیم من قتاده را تمامی اهل عصر بر حیح میدادم و نکسی دیگر نمی گرائیدم

قتاده سال شصتم متولد و سال یکصد و هفدهم یا هیجدهم هجرت در واسط وفات یافت

(ص ۴۶۶ ح ۱ کا و عره)

۱- سدوسی - در اصطلاح رحالی احمر بن حری ، احمر بن سواء ، بشر بن معد ،

عامر بن عربی ، عثمان بن عفان ، معرة بن ابی قره و بعضی دیگر بوده و شرح حال ایشان مو کول

ندان علم میباشد ، نسبت آن سدوس بن اصمغ بن سعد بن بهان است که پدر قبیله ایست از بهان

از بطون طی و سی سدوس علاوه بر خانواده سدوس بن اصمغ یکی از بطون بکر بن وائل بن

مناشد که پدرشان سدوس بن دهل بن شیبان بن تعله بوده و سر یکی از بطون سی حطله از شعب

قبیله سی تمیم مناسد که خانواده سدوس بن دارم بن مالک بن حطله هستند در تفتیح المقال بعد

از این حمله گویند سدوسی را مسوب سدوس بمعنی طیلسان داشتن ملاحظه آنکه شعل احمر

مذکور طیلسان ساختن و با فروختن بوده اسباب است .

## سدوسی

مرثد همان سدوسی مؤرخ مذکور در دیل است.

مؤرخ بن عمرو بن حارث - بن ثور بن سعد بن حرمله بن علقمة

## سدوسی

بن عمرو بن سدوس بن دهل بن شیمان، هکسی یا بوفید، بحوی

شاعر لغوی، از اکابر علمای محو و لغت میباشد که در بنیادیت حال از اعراب نادیده شین

بود، باصول و قواعد عربیّه اطلاعی نداشت تا آنکه بصره آمد، بحسب درحوره درس

آوردید انصاری حاضر شد و اوّلین معلمش از وی بود، سپس بحو و فمون ادیبه را از حلیل

بن احمد فراگرفت، با سیویه و نصر بن شمیل همدرس و از اکابر اصحاب حلیل بود،

بالخصوص در لغت، فرید عصر خود شمار میروفت، دوثلث لغات عربیّه را در حفظ داشت،

حدیث را هم از ابو عمرو بن علاء فاری استماع نموده و اصل امتیاز او در شعر و لغت

میشد با مأمون عباسی بحراسان رفته ومدتی در مرو اقامت گردید پس به بشاربور رحلت

و مرجع استفادۀ علما و فصلا و مشایخ آنجا گردید و مصنفات بسیاری دارد

۱- الابواء ۲- حماهیر القائل ۳- عرب العرآن ۴- المعانی و غیر اینها دانگفته

نماید که نام سدوسی برعم بعضی مرثد بوده ومؤرخ (باصیغه اسم فاعل از باب تفعیل بر وزن

معلم) لقب وی بوده و شخص آشوبی و انقلابی و شورش طلب را دوستد چنانچه اردگر

سش معلوم شد سست وی بحدّ عالیش سدوس بن دهل بن شیمان میباشد که پدر ویلدا یست

بررگ و کثیر العلماء سدوسی در سال یکصد و بود و پنجم هجری قمری در گذشت و او است

روعت بالین حتی ما ازاع له و بالنصائب من اهلی و حرابی

لم یترك الدهر لی علما اص له الا اصطفاه نسای او بهجران

(ص ۷۱ و ۲۵۵ ح ۲ ک ۱۹۶ ح ۱۹ حم و ۱۲۴ ح ۲ ع و ۲۵۶ ح ۴ و ۴۴۶ ح ۶ ص)

## سدهی

سدانوالقاسم بن محمدعلی - حسینی، واعض اصعبانی، معروف

## سدهی

سدهی، مقیم تهران، از فصلاّی قرن حاضر چهاردهم هجرت

۱- سدهی - با دو کسره منسوب است به سده (مصحف حلی سه ده) که دهی است در

دو فرسخی اصعبان و بعضی از معروفین بهمین نسبت را تذکر میدهند

میشد و از تألیفات او است

۱- تدایع الاحتمال در اجزای ۳- شماره الاثرات فی احوال شعبة التکرار فی دارالمراد

۳- لغات الانوار که چاپ شده است سال هزار و سصد و سی و نهم هجری قمری در

مکه معظمه وفات یافت (س ۶۱ و ۱۱۴ ح ۲ درمة و ۱۵ ح ۸ عن)

حاج میرسیدعلی بی سید محمد مهدی - امام جمعه سده اربعه بان ،

مشهور بحاجی آقابرک ، متخلص بصیائی ، از عامای عصر حس

### سده‌ی

ما میباشد که علاوه

بر علوم دینیّه بر طّ و

بحوم و ریاضیات و

حجر و اعداد و طلسمات

بیر دستی توانا داشت ،

مدتی از ادوار زندگی

خود را در ریاضیات و

مکاشفات سر برد ، در

قصای حوائج مسلمین

و انحام وظائف لارمه

امر بمعروف و نهی از

منکر و ترویج دین و

تحرک اساس مستدعیین

وقلع و قمع ریشهٔ بهائیه

که اخیراً در آن نواحی



عکس حاج میرسیدعلی سده‌ی - ۲۵

رور کرده بود اهتمامی تمام داشت ، از بلامدهٔ میرزا محمد هاشم چهارسوقی و آقای سده‌ی

سالف البرحمة بوده و دست شریها و ناسی و سد واسطهٔ حضرت امام جمعهٔ صادق علیه السلام

موصول میگردد در هر يك از احلاق ، تقلید ، حثوم و ادعیه ، حیات ، شروط ضمن العقیده ، صلح با حق رجوع ، طب و تحریرات خود ، مقتل و معجزات مریم و موضوعات دیگر بآلیفات و رساله های متفرقه دارد ، سال هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری قمری در بود و چهار سالگی در قریه سده مذکور وفات یافت و در انتهای ششستاد مسجده جامع آنجا مدفون گردید (ملخص تقریرات بعضی از احماد خود صاحب ترجمه)

### سدی<sup>۱</sup>

اسمعیل بن عبدالرحمن بن ابی کریمه - یا ابی ذریب کوفی قرسی

سب

تابعی ، معروف سدی کسیر یا اکبر ، مکنی یا ابو محمد ، از مساهیر

مفسرین و محدثین ، در عداد کلبی و شعبی و مجاهد و مقابل و دیگر اکابر اهل حدیث و تفسیر معدود ، ابن عباس و ابوهریره و ابوسعید خدری و جمعی دیگر از صحابه را دیده است تفسیر خود را از ابن عباس روایت نموده و سرف حضور حضرت حسین بن علی علیهما السلام مشرف بلکه موشه بعضی از اکابر علمای رجال ، از اصحاب حضرت سجاد و صادقین علیهما السلام میباشد ، این است که بعضی از اهل سنت او را شیعه دانستند بلکه بنا بر معمول از میران الاعتدال دهی و تهریب ابن حجر و معارف ابن قسیند تشییع و صدوق بودن وی تصریح کرده و بهمین جهت شیعی متهمش داشته و روایات او را قبول نمی نمایند در تصحیح المقال نیز او را امامی ممدوح دانسته لکن بنا بر تصریح بعضی از اکابر ارباب تراجم ، سدی ، از مفسرین عامه و از کسانی میباشد که قرآن مجید را با رأی

۱ - سدی - مصم اول و کسر و تشدید ثانی ، مسوب است به سد (یا صم و تسدید) که قلعه یا دیهی است دریم و هم دیه بررگی است در دوره سخی ری و مسوب سده را بر سدی گویند و آن (برورن حنه) بمعنی باب و در و با حیری است سقف مانند که بجهت حفظ و وقایه از صدمه باران در بالای در حابه تعبیه نمایند و سده مسجده طاقها و جانبهای سانه دار از اطراف آن را گویند اسمعیل بن عبدالرحمن مذکور را سدی گفتم بر بجهت آن است که در باب و در و سده مسجده کوفه شعل مقبعه و سراندار فروشی را داشته است و با در یکی از سده های مسجده الحرام درس تفسیر میگفته است و وقوع هر دو سب بر ممکن است

خودشان تفسیر نموده و بحاوادذ عصمت و معادن وحی و بمراد از احادیث منکرده اند .  
تحقیق مرآت موکول بکتب مربوطه میباشد سدی سال یکصد و بیست و شش و ۴۴۶ و ۴۱۰ هجری  
هجری قمری وفات و وحد سب در فوق مذکور افتاد

محقق همانند که اسمعیل بن موسی ، کوفی سدی فراری ، دحیر راده اسمعیل سدی  
فوق و معاصر او بمر از مشاهیر محدثین بوده و مسایح بسیاری از وی روایت شده اند ،  
نوشته بعضی ، در ششع افراط داشته و بهمین جهت احادیث او را رد می کرده اند و در سده  
۱۴۵ هجری یکصد و چهل و پنجم هجرت وفات یافتند است  
(ص ۲۷۶ ح ۴ دریعة و ۲۵ ح ۳ بی و ۱ ات و ۱۴۸ هج و ۱۳ ح ۲ ص ۶۶ و ۶۷)

اسمعیل بن موسی - در فوق ضمن سدی اسمعیل بن عبدالرحمن  
مذکور شد

سدی

اولی و چهارمی در دیل ، بعنوان سدی محمد بن مروان  
مذکور خواهد شد، دویمی و پنجمی بمر در بالا بعنوان سدی  
اسمعیل بن عبدالرحمن نگارش یافته است و سومی موکول  
بکتب رحالیته میباشد

سدی اصغر  
سدی اکبر  
سدی - خالد سدی  
سدی صعیر  
سدی کبیر

محمد بن مروان بن عبداللہ بن اسمعیل بن عبدالرحمن - از احفاد سدی

سدی

اسمعیل بن عبدالرحمن مذکور فوق بوده و بهمین جهت در مقابل  
حدّ عالی مذکورش سدی صعیر یا اصغر موصوف میباشد او بفسیر ابن عباس را از محمد  
بن سائب کلّبی روایت کرده و مصاحب او بوده و بدین سبب او را بمر محمد بن مروان کلّبی  
گویند ، لکن صعیف و متروک الحدیث و متهم بکتب بوده و جعل حدیث می نموده است  
وی در سال یکصد و هشتاد و ششم هجرت در گذشت

(ص ۲۷۶ ح ۴ دریعة و سطر ۴ ص ۲ ب و ۲۹۱ ح ۳ تاریخ بغداد)

شاعری است ایرانی ، با اثیرالدین احسیکی (متوفی سال

سده انداعور

۵۶۲ هجری قمری) شمس معاصر بوده و با یکدیگر مشاعره و معارضه

داشتند و از اوست

گویند که بردمید از گل حارش  
رحساره وی همیشه در چشم من است  
حرمی است که میبوسد بر گلزارش  
عکس مسژه من است بر رحسارش  
سال وفات و مشخصات دیگر بدست نیامد  
(س ۴۵۴۱ ج ۴ ص)

سالم بن محفوظ بن عریرة بن وشاح - حلی سوداوی ، ملقب  
سد ندالد بن

سدیدالدین ، عالم فقیه فاضل ، از علمای امامیه قرن هفتم هجرت  
میباشد که استاد محقق حلی (متوفی سال ۶۷۶ هجری قمری) بوده و والد معظم علامه حلی  
نیر از وی درس خوانده است در عصر خود علم کلام و فلسفه و علوم اوائل بدو منتهی  
میشد کتاب المنهاج در علم کلام که محل اعتماد امامیه میباشد از اوست ، سیدعلی بن  
طاوس از وی روایت کرده و علامه حلی نیز بواسطه پدر خود از وی روایت میکند و  
سال وفات او بدست نیامد  
(ملل و ص ۱۳۰ و عره)

59542

سدیدالدین محمود بن علی - بعنوان حمصی نگارش دادیم

محمود بن عمر - شیبانی ، مکئی ناوالثشاء ، از مساهیر اطباء  
اسلامی است در کجالی و جراحی حیر ، در ادبیات و نجوم  
وهیئت و علوم حکمیّه بهره ور بود ، در مصر طبابت چندی از ملوک سی اربق و سی ایسوب  
مصوب شد و بالخصوص در علل چشم مهارتی سرا داشت و از تألیفات او است

۱- الفریدة الثاهیه و العصیده الثاهیه ۲- قانون الحکماء و فردوس الندماء ۳- لطف  
السائل و تحی المسائل ۴- موصحة الاشتهاه فی ادوية النساء  
قولا یهجمه بسدا و فساد  
جماعة الحکماء قبلک دانهم  
کان الحمیل من المعال فسادوا

صاحب بر حمله در سال ششصد و سی و پنجم هجرت در گذشت  
(ص ۲۵۴۲ ج ۴ ص)



جلد دوم در همین جا پایان میپذیرد و جلد سوم با کلمه سراب شروع خواهد شد  
ترماه ۱۳۴۷ هجری شمسی